



## بررسی معاد از دیدگاه عرفا/ عینیت عرفانی متمایز از عینیت عرفی است

شصت و ششمین جلسه گروه علمی عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع معاد عرفا از عینیت حق و خلق در عین غیریت با ارائه حجت الاسلام والمسلمین یزدان پناه برگزار شد.

شصت و ششمین جلسه گروه علمی عرفان مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع معاد عرفا از عینیت حق و خلق در عین غیریت با ارائه حجت الاسلام والمسلمین یزدان پناه برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری مهر، جلسه با سخنان ابتدایی امینی‌نژاد آغاز و سپس یزدان‌پناه به ارائه طرح بحث پیرامون موضوع بررسی مسئله عینیت حق و خلق پرداخت.

وی این بحث را از منظر عرفان مورد بررسی قرار داد و بر این امر تأکید کرد که بحث عینیت حق و خلق از مسائل مهم عرفانی است که گاهی کج فهمی آن منجر به آسیب‌هایی می‌شود.

یزدان پناه تعبیری از عرفا را مطرح و بر اثبات این نظریه که به لحاظ فهم عرفی، دشوار است، علت به بدفهمی عرفی برمی‌گردد به فهم عامه به مسئله عینیت که عامل ایجاد دشواری برای فهم عرفانی در این قضیه می‌شود. در واقع با ذهن عرفی این مسئله بد فهمیده می‌شود.

وی این بحث را در سه مقطع ارائه داد: اول، مراد عرفا از عینیت حق و خلق: به نظر وی عینیت حق و خلق از بحث اطلاق مقسمی حق و سپس ظهورات ناشی می‌شود. عرفا حق را نامتناهی می‌دانند که دارای اطلاق است که هیچ گونه قیدی نخورده است و شواهدی از عرفا در این زمینه ارائه شده است. نامتناهی بودن خداوند یعنی وجود نامتناهی است که کل هستی را پر می‌کند و لذا وراء ندارد و دومی هم ندارد که از دل همین مباحث وحدت شخصیه وجود سر در می‌آورد. با این نگاه حتی قید اطلاق را هم نمی‌توان برای ذات حق آورد و این باعث احاطه حق بر ماوراء می‌شود. وقتی اطلاق مقسمی پذیرفته شد دیگر هیچ شیء دومی برای او نمی‌تواند تصور شود و نظام علیت و معلولیت نیز برداشته می‌شود.

وی افزود: مطلب دیگر مسئله ظهورات است که کثرات را ظهور حق می‌دانند. ظهور همان صیوروت مطلق به نحو مقید است یعنی آن مطلق خود را در مقیدات بروز می‌دهد در واقع در تجلی حق در کثرت به گونه‌ای باید معنا شود که وراى آن حقیقت واحد نشود چون در غیر این صورت اطلاق مقسمی حق به هم می‌آورد. اطلاق ظهور تقید حق است، ولی قیوداتی که حق را از اطلاقش نیندازد.

این استاد حوزه تصریح کرد: لازمه این حرف این است که نامتناهی بنفس نامتناهی بودن عین اشیاء می‌شود. پس حق تعالی عین اشیاء است در عین غیریت به تعبیری به نفس اطلاق عین اشیاء است و به نفس همان اطلاق غیر اشیاء است. با این بیان هم عینیت درست شد و هم غیریت که هر دو به نفس وصف اطلاق ثابت می‌شود. عارفان از این مطلب بر تمایز احاطی یاد کرده‌اند.

به نظر یزدان پناه عینیت عرفی نفس و ذات شیء است در حالی که عینیت عرفانی چیزی غیر از عینیت عرفی است.

یزدان پناه با استفاده از تعبیر گوناگون عرفا، مسئله عینیت عرفانی را متمایز از عینیت عرفی دانسته است.

وی اذعان کرد: تعبیر دیگری که از عرفا وجود دارد جمع بین تشبیه و تنزیه است که ناظر به همین عینیت عرفانی است چنانچه تعبیر دیگری به نام حمل هو هو نیز دارند که در ورای نگاه فلسفی می‌توان گفت الحق هو الخلق بدون بکارگیری ذو و امثال آن و لذا هر جا را که انسان نگاه می‌کند می‌تواند بگوید حق است. این نگاه در حمل هو هو زمانی است که عینیت در عین اثبات غیریت است.

حجت الاسلام یزدان پناه به تبیین بحث غیریت پرداخت و ابتدا دیدگاه فلاسفه غیر از ملاصدرا را مورد بررسی قرار داد و نتیجه گرفته که یک نوع عزلتی در نگاه فلسفی وجود دارد.

از نظر وی در کنار عینیت عرفی هرگز بحث غیریت نیست و حال آنکه عینیت در اصطلاح عرفانی چنین است، لذا این دو را نباید یکی دانست.